

نقشہ ملکوتی حضرت عبدالبہاء

شاہور راسخ

در آغار سخن شایسته است که معرّفی اجمالی از نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء، که شامل ۱۴ لوح صادر شده در سال های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ است، صورت پذیرد. الواح مذکور را که حضرت ولی امرالله در توقیعات انگلیسی خود *Tablets of the Divine Plan*، یعنی الواح نقشهٔ الهی، خوانده اند، در ترجمهٔ مصوّب کتاب قرن بدیع در مورد آنها دو اصطلاح الواح تبلیغی و نقشهٔ ملکوتی بکار رفته و حضرت ولی امرالله در توقیع فارسی نوروز ۱۰۱ بدیع به احتبای ایران آنها را فرمان الهی و یرلیغ تبلیغ نامیده اند.^۱ این الواح در جلد سوّم مکاتیب حضرت عبدالبهاء، چاپ مصر، درج شده است و صفحات ۲ تا ۶۴ را در بر می گیرد. دورهٔ اوّل صدور این الواح سال ۱۹۱۶ بوده (۸ لوح)، و دورهٔ دوّم سال ۱۹۱۷ (۶ لوح)، و مخاطبان آنها احتباء [بهائیان] و اماء رحمن [خانم های بهائی] در مجموع کشورهای آمریکا و کانادا، یا بعضی از ایالات و مناطق آمریکا بوده اند. این الواح فرمان انتشار کلمهٔ الله [کلام خدا و آثار دین بهائی] در آمریکای شمالی و بعد قارّات و سرزمین های دیگر است، و چنانکه بجای خود خواهد آمد در ادیان گذشته نظیر و مثیل نداشته است. الواح مذکور در بحبوحهٔ جنگ جهانی اوّل، در حالی که اوضاع اراضی مقدّسه [منظور عکا و حیفا است] نیز آشفته بود، عزّ صدور یافته و نقشهٔ بسط و گسترش امر الهی [دین بهائی] را در پهنهٔ کرهٔ زمین ترسیم کرده است، و حدود ۲۰ سال بعد، طی نقشهٔ هفت سالهٔ اوّل بهائیان آمریکا (۱۹۳۷-۱۹۴۴)، و به دنبال آن نقشه های گوناگون در سایر ممالک، اجرای مفاد آن آغاز شده و بی گمان در سراسر عصر تکوین ادامه خواهد یافت.

حضرت ولی عزیز امرالله از این الواح به کلمهٔ Charter یا منشور^۲ یاد کرده اند. آن حضرت در آثار خود از سه منشور سخن می گویند: لوح کرمیل، که منشور مرکز جهانی امر بهائی است؛ الواح وصایا، که منشور نظم اداری امر الهی است؛ و بالاخره الواح فرامین ملکوتی، که منشور نشر و توسعهٔ این آئین نازنین در سراسر جهان است.^۳

اهمیت این فرامین تبلیغی

کمتر اثری از آثار حضرت مولی الوری [حضرت عبدالبهاء] است که در زندگی اکثر احتباء و جامعهٔ بهائی به اندازهٔ این الواح مکوتی مؤثر افتاده و به عبارت دیگر به اندازهٔ این الواح "سرنوشت ساز" باشد. اهمّیت این فرامین، چنانکه در کتاب "قرن بدیع" آمده، چنان است که فقط در طول زمان مکشوف و معلوم عالمیان خواهد شد. مأموریت مقدّسی که حضرت عبدالبهاء در این الواح به "مشعل داران مدنیّت الهی" تفویض فرمودند، به فرمودهٔ حضرت ولی امرالله: "هنوز پس از مَضیّ یک رُبْع قرن، مقام و منزلتش از انظار مستور و اثرات فائقهٔ آن مکتوم و مجهول و آنچه تا کنون از آثار بهیّیه و نتایج باهرهٔ آن ظاهر و هویدا گشته و صفحات تاریخ قرن اوّل بهائی را مجلّل و مُزین ساخته است رَشْحی از نوایای عالیّه و مآربِ سامیهٔ متعالیه ای است که آن سالارِ جُنْدِ هُدی از صدور این نقشهٔ ملکوتی در نظر داشته و په مرور ایّام به تأییدات الهیّه و توفیقات لاریبیهٔ صمدانیه از حیّز غیب به عرصهٔ شهود خواهد آمد و عالم کون را به انوار مُضیّئه اش روشن و تابناک خواهد ساخت." (ص ۶۲۲)

حضرت ولی عزیز امرالله، همان طور که جناب علی نخجوانی در مقاله ای راجع به اوّلین نقشهٔ تبلیغی آمریکا مرقوم داشته اند، دورهٔ سی و شش سالهٔ ولایت امر را عمدتاً به سه کار تخصیص دادند، و آن اجرای سه منشور حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، من جمله فرامین ملکوتی تبلیغ بود: "حضرت ولی امرالله، در اوایل ۱۹۵۵، حدود سی ماه قبل از صعودشان، برای

اولین بار روشن فرمودند که دوران تصدی ایشان تحت تأثیر سه منشور هدایت و رهبری گردیده و مندرجات این سه منشور مهم هم چنان سرچشمه هدایت برای پیشبرد و گسترش امرالهی در سراسر دور بهائی خواهد بود...^۴

اجرای الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء فی الحقیقه چهره جامعۀ بهائی را دگرگون کرد و آن را از حالت شرقی به صورت جهانی در آورد. چنانکه جناب محمد علی فیضی نوشته اند^۵ تعداد ممالک در ظلّ امر مبارک در عهدِ اَبهائی فقط ۱۵ بود، و به طور عمده شرقی. در زمان حضرت عبدالبهاء بیست کشور بر آن عدد افزوده شد (۴ کشور آسیائی، ۹ کشور اروپائی، ۲ کشور آفریقائی، ۴ کشور در قارات شمالی و جنوبی آمریکا، و یک کشور دیگر که استرالیا باشد)، و هنگامی که به اهتمام یاران آمریکا [بهائیان آمریکا] در سال ۱۹۳۷ و بعد یاران سایر ممالک در اجرای همان فرامین ملکوتی پس از جنگ دوّم جهانی دامنه مجاهدات و فتوحات وسعت گرفت، جامعۀ بهائی از نظر تعداد ممالک و سرزمین های مستقله و تابعه که تحت اشرفش بودند مرتبه دوّم را، بعد از مسیحیت دو هزار ساله، احراز کرد، و این از برکت همان الواح الاهی بود.

الواح ملکوتی در چه شرائطی عَزَّ نَزول یافت؟

دسته اوّل الواح ملکوتی در فاصله ۲۶ مارس و ۲۲ آوریل سال ۱۹۱۶ صادر شده (۸ لوح)، و دسته دوم در فاصله ۲ فوریه و ۸ مارس سال ۱۹۱۷ (۶ لوح)، یعنی با فاصله ده ماه بین دسته اوّل و دسته دوم. و اما محل صدور الواح نیز مشخص است: سه لوح در اطاق مبارک در بهجی نگاشته شده، یک لوح در جلوی بیت مبارک در بهجی، سه لوح در باغچه خارج روضه مبارکه [مزار حضرت بهاء الله در عکا] در بهجی، سه لوح در اطاق جمال مبارک [حضرت بهاء الله] در بیت عکا، سه لوح در بالاخانه اسمعیل آقا در بیت مبارک حيفا، و یک لوح در سه نقطه، یعنی اطاق مبارک، مسافرخانه، و باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی. به عبارت روشن تر هیچ یک از آن الواح در اطاق کار مناسبی که شایسته "سالارِ جُنْدِ هُدی" [حضرت عبدالبهاء] باشد نوشته نشده است، در حالی که می دانیم وقتی فرماندهان نظامی می خواهند نقشه ای بکشند، در اطاقی مجهز به همه وسائل کار مجتمع می شوند. شگفت آن که حتی اطرافیان نزدیک به حضرت عبدالبهاء متوجه نشدند که آن حضرت در کار نگارش چه سند مهمّ و سرنوشت سازی بوده اند.

فی المثل وقتی حضرت عبدالبهاء مشغول نگارش لوح ششم بودند، که در آن دستور فتح یکایک ممالک آمریکای مرکزی و جنوبی را صادر می فرمودند، محلّ صدور لوح، در ۸ آوریل ۱۹۱۶، باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی بوده. جناب بدیع بشروئی، که ملازم حضور مبارک بودند، در یادداشت های روزانه خود مربوط به همان روز می نویسند: "روز شنبه ۸ آوریل ۱۹۱۶: قبل از ظهر به زیارت تشریف بردند، ولی داخل روضه نشدند. در طرف غرب روضه ایستاده امر فرمودند زیارت نامه تلاوت شد. بعد به باغچه روضه مبارکه تشریف بردند و قدری آب کشیدند از برای گُل ها و جالس شدند. مکاتیبی از امریک رسیده بود، ترجمه شد، و الواحی چند نازل شد، تا ظهر. قدری در صحرا گردش فرمودند و در میان گُل ها استراحت نمودند...". همین و بس.

زمان صدور الواح ملکوتی مقارن با جنگ جهانی و هنگام ویرانی عالم است. اوضاع ارض اقدس [منظور عکا و حیفا است] نیز متشجج است. اما این عوامل نامساعد مانع آن نمی شود که حضرت عبدالبهاء به طراحی گسترش امرالله [دین بهائی] و بنیادگذاری یک جامعه و مدتیته جهانی اهتمام فرمایند.

به عنوان نمونه حوادثی که مقارن صدور الواح ملکوتی، یا اندکی بعد از آن، واقع شد، و ناچار مشغله خاطر همگان بود، چند نمونه را ذیلاً یاد می کنیم:

- در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۱۶ انگلستان و فرانسه، طی عهدنامه ای، مناطق تحت نفوذ امپراطوری عثمانی را محدود کردند، ضربه ای که سرانجام به متلاشی شدن این امپراطوری منجر شد؛
- در ۲۲ مارس ۱۹۱۶ امپراطوری چینی یوان شیکای بالکل به هم ریخت؛
- در ۱۵ مارس همان سال اطریش - هنگری به پرتغال اعلام جنگ کرد؛
- در ۲۷ اوت ایتالیا به آلمان اعلام جنگ کرد، و رومانی به اطریش - هنگری؛
- در ۲۸ اوت آلمان به رومانی اعلام جنگ کرد؛
- در ۳۰ اوت ترکیه به رومانی اعلام جنگ کرد؛
- و بالاخره در فاصله ژانویه و مارس ۱۹۱۷ رژیم امپراطوری در روسیه پایان می گیرد.

اوضاع فلسطین و اراضی مقدسه هم در آن ایام بسیار مغشوش بود، به طوری که در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ ژنرال النبی وارد بیت المقدس شد، و معلوم بود که به زودی حکومت عثمانیان بر اراضی مقدسه پایان خواهد گرفت. و چنان که جناب بالیوزی در کتاب خود آورده حضرت عبدالبهاء در این دوره انتقالی در خطر عظیم بودند (از جانب دشمنان مسلمان).

در چنین روزگاری است که حضرت عبدالبهاء، با صدور این الواح مبارکه، پایه های تجدید بنای تمدن غرب را بر شالوده روحانیت، صلح، و وحدت می گذارند. بعضی از عبارات الواح ملکوتی در ارتباط با این موضوع در خور نقل است:

در لوح چهارم می فرمایند: "حال وقت آن است که شما به این خدمت عظمی [انتشار کلمه الله و ندا به ملکوت الهی] قیام کنید و سبب هدایت جم غفیری گردید، تا به این سبب انوار صلح و سلام جمیع آفاق را روشن و منور نماید و عالم انسانی راحت و آسایش یابد." (ص ۱۱)

در لوح پنجم می فرمایند: "خدا در قرآن عظیم می فرماید که روزی آید که انوار توحید به جمیع آفاق بتابد (وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا)، یعنی زمین به نور خدا روشن می شود، و آن نور، نور توحید است." (ص ۱۴)

در لوح هفتم می فرمایند: "این حرب جهانسوز نه چنان آتش به قلوب زده که وصف داشته باشد. در جمیع اقالیم آرزوی صلح عمومی مضمّر ضمائر است. نفسی نمانده که آرزوی صلح و سلام ننماید، استعداد عجیبی حاصل و این از حکمت بالغه الهی تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی و اساس صلح عمومی و تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد." (ص ۲۳)

و در آخرین لوح (۶) از دورهٔ دوّم، دین الهی را جهتِ جامعهٔ بشریت معرفی می فرمایند، و اظهار می دارند که اگر احبّاء به نشر و اجرای آن موفق شوند عالمِ عالمِ دیگر شود.

باید متذکّر بود که، به قول جناب حسن موقّر بالیوزی، وقتی امر مبارک حدّ اکثر در ۳۵ کشور عالم منتشر بود، حضرت عبدالبهاء ذکر لزوم انتشار امر الهی را در ۱۲۰ سرزمین و جزیره^۶ طی الواح ملکوتی مطرح فرمودند.

چرا عنوان "لوح"؟

نادر است که آثار حضرت عبدالبهاء که چون فرامین ملکوتی، الواح و صایا، و لوح لاهه به عنوان لوح علم شده باشد، زیرا بیش و کم عنوان الواح برای آثار حضرت بهاءالله پذیرفته شده. می دانیم که در تاریخ ادیان لوح هم به معنی صحیفهٔ قانون آمده. چون الواح احکام عشرهٔ حضرت موسی، و هم به معنی لوح محفوظ، یعنی علم الهی.^۷ احبّاء دربارهٔ آثار حضرت بهاءالله، به استناد لوح مبارک هیکل، کلمهٔ الواح را به معنای منبعث از علم الهی، یعنی وحی شده، به کار می برند، و حال آن که آثار حضرت عبدالبهاء به عنوان مکاتیب خوانده می شود. ولکن، در مکاتیب جلد سوّم چهارده مکتوب مورد بحث را الواح عمومی لقب داده اند، و این عنوان به یک اعتبار درست است، زیرا گوئی فرامین ملکوتی نظیر الواح جمالِ آبهی ثمرهٔ علم الهی است که از سوی مرکز و مطلع وحی، یعنی حضرت بهاءالله، در قلب مُمَرّد و مُصَقّای حضرت عبدالبهاء عَزَّ نَزول حاصل کرده و مشمول بیانی از حضرت ولی امرالله در توقیع دور بهائی است که فرموده اند: "حضرت عبدالبهاء مستقیماً از شارع و مؤسّس امر بهائی اقتباس نور و الهام فیض می فرمایند، و به مثابهٔ مرآت صافیّهٔ کامله، انوار عظمت و جلال حضرت بهاءالله را منعکس می کنند." (ص ۶۷)

همان طور که در مورد الواح و صایای حضرت عبدالبهاء فرمودند: "الواح و صایای مبارکه را میتوان به منزلهٔ ولیدی دانست که طبعاً از افتران معنوی آن نافخ قوهٔ مولدهٔ مشیّت الهیه با واسطهٔ ظهور و حامل برگزیدهٔ آن قوهٔ بوجود آمده." (ص ۷۱)

اما عنوان ملکوتی یا الهی که در بارهٔ این الواح توسط حضرت ولی امرالله مستعمل شده (Divine) هم اشاره به آن می کند که این الواح از منشأ قدسی تراوش کرده است، و با مکاتیب عادی حضرت عبدالبهاء قابل مقایسه و مماثله نیست.

خود حضرت عبدالبهاء کلمهٔ الهی یا آسمانی-ملکوتی را به فراوانی تمام در این چهارده مکتوب به کار می برند. مخاطبان در لوح اوّل منادیان آسمانی خوانده شده اند. در لوح دوّم منادیان به ملکوتُ الله، در لوح سوّم نفوس آسمانی، در لوح چهارم ابناء و بنات ملکوت. همین عنوان در آغاز لوح پنجم تکرار شده. در لوح دوازدهم مخاطبان یاران و اِماءِ رحمن مختارین ملکوت هستند، و لوح آخرین با عنوان "ای نفوس آسمانی و ابناء و بنات ملکوت" شروع می شود. شأن این الواح به طور حتمی از همین جا معلوم می شود، چون منسوب به ملکوت الهی است، یعنی عالم امر، و به یک اعتبار یعنی عالمِ مشیّت الهی. در مکاتیب، ج ۳، ص ۳۵۶، حضرت عبدالبهاء فرموده اند: "اهل حقیقت وجود را در سه مرتبه بیان نموده اند: حقّ و امر که عبارت از مشیّت اولیه باشد و خلق و مشیّت اولیه که عالم امر است باطن اشیاست و جیع کائنات مظاهرِ مشیّت الهیه است،^۸ نه مظاهرِ حقیقت و هویت الهیه."

در لوح دیگر فرموده اند (یادنامه مصباح منیر، صص ۴۱۸-۴۱۹): "باری، افق ابهی و ملکوت اعلی عبارت از عالم الهی و جهان رحمانی، یا مقر سلطنت روحانی و کامرانی احتیای رحمانی است. جمالِ قِدم و اسمِ اعظم [حضرت بهاءالله] رُوحی لِاحْتِیَائِهِ الْفِداء قبل از اشراق در افق امکان، و بعد از غروب، بر سریرِ عظمت آن جهان حقیقت مستقر بوده و حال نیز چنین است."

الواح الهی یا ملکوتی به این اعتبار الواح منسوب به مظهرِ کلی الهی حضرت بهاءالله و انعکاسِ مَشیتِ آن حضرت در عالم مُلک می شود.

چگونه الواح ملکوتی به آمریکا رسید؟

چون هنگام تحریر الواح مذکور جنگ بین الملل اول درگیر بود، و آمریکا ناچار شد که در ۶ آوریل سال ۱۹۱۷ وارد جنگ شود، و از این پس ارتباطات ارض اقدس با آمریکا مقطوع بود، لذا حضرت عبدالبهاء الواح مذکور را در سردابه زیر مقام اعلی محفوظ داشتند، تا پایان جنگ رسد. و در نتیجه سال ۱۹۱۹ بود که احتیاء در فاصله ۲۶ آوریل و اول می در هتل مک آلپین (McAlpin Hotel) در نیویورک مجتمع شدند و آن الواح چهارده گانه را زیارت کردند. در مراسم "پرده برداری" از این الواح میس مری ماکسول، یعنی روحیه خانم آینده، حاضر بودند و نقشی داشتند. بلافاصله بعد از اطلاع بر مضمون آن الواح، زوج عزیز، آقا و خانم دان، و میس مارثاروت، به اطاعت و پیروی از اوامر مبارک قیام کردند و به سفرهای تبلیغی مبادرت نمودند، قیامی که فی الحقیقه قعود در پی نداشت، چنانکه به جای خود گفته خواهد آمد. ناگفته نماند که ۵ لوح نخستین از الواح چهارده گانه قبلاً در همان سال ۱۹۱۶ (۸ سپتامبر) در مجله نجم باختر چاپ شده بود، و این امر قبل از قطع ارتباطات با ارض اقدس روی داد، و چنان که می دانیم الواح مذکور مخصوص هدف های داخلی آمریکا و کانادا بود، و فقط بعد از آوریل ۱۹۱۹ نه لوح بعدی و اهداف خارجی آمریکای شمالی به اطلاع عموم احتیاء رسید.

چرا جامعه آمریکای شمالی مخاطب قرار گرفت؟

هنگامی که حضرت عبدالبهاء اولین لوح از الواح ملکوتی را مرقوم می فرمودند، یعنی در تاریخ ۱۹۱۶/۳/۲۶، فقط ۲۲ سال از ورود امر مبارک به آمریکا گذشته بود.^۹ بر طبق سرشماری ایالات متحده، در سال ۱۹۱۶ عده بهائیان در آن سر زمین فقط به ۲۸۸۴ نفر می رسید. حضرت عبدالبهاء کاملاً وقوف به قلت منابع انسانی و امکانات مالی احتیای آمریکای شمالی داشتند، چنان که در لوح سیزدهم، خطاب به احتیای کانادا فرموده اند: "نظر به قلت خویش و کثرت اقوام ننمائید." (ص ۵۵) و همین مطلب را به طور ضمنی در باره احتیای ایالات متحده فرموده اند: "قریب ۲۳ سال است که نفعات الهی در امریک نشر یافته، ولی حرکت چنان که باید و شاید حاصل نگردیده، جوش و خروش نزده." (ص ۴۲) معذک، چنین جامعه ای را برای مسئولیت عظیم و خطیر ابلاغ و انتشار امرالله در سراسر جهان انتخاب فرمودند. علت این انتخاب چه بود؟ می توان احتمال داد که اولاً حضرت عبدالبهاء در سفر تاریخی خود به آمریکا (۱۹۱۲) استعداد روحانی در آمریکائیان دیده بودند، چنانکه در بدایع الآثار (ج ۱، ص ۴۰۱) از آن حضرت نقل شده که فرموده اند: "آمریکا استعداد دارد."

ثانیاً، می توان حدس زد که ثبات اکثریت احبّای آمریکا بر عهد و میثاق بعد از نقض عهد ابراهیم خیرالله رضایت خاطر مرکز پیمان الهی را به خود جلب کرده بود.

ثالثاً، محتمل است که آزادی نسبی مذهبی در آمریکا، در حالی که امر هنوز در برخی از ممالک در مرحلهٔ مقهوریت و مظلومیت قرار داشت، عامل مثبت دیگری در نظر آن حضرت بود.

فراموش نکنیم که حضرت شوقی ربّانی در توقیع "ظهورِ عدلِ الهی" صفحاتی را به ستایش جامعهٔ بهائی آمریکا اختصاص داده و در حقّ آنها فرموده اند: "اعقابِ روحانیِ مَطالِعِ الأنوارِ عصرِ رسولی." (ترجمهٔ فارسی، ص ۱۵) و ضمناً آمریکا را "مهدِ متینِ نظمِ بدیعِ جهانی" خوانده اند (ص ۱۳)، و بی گمان اساس نظم اداری بهائی، علی رَغمِ قدمت ایران، در آمریکا گذاشته شد (البته در عصر حضرت ولیّ امرالله، با سوابقی چند در دورهٔ حضرت عبدالبهاء).

هدف این الواح چه بود؟

هدف اوّل این الواح آن بود که یاران خطهٔ امریک را به نجوم هدایت کبری روشن کنند. هدف دوم رهنمون شدن سراسر کرهٔ ارض به کلمهٔ الهی بود. الواح اوّلیه معطوف به هدف نخستین بود، ولی از لوح ششم به بعد دائرةٔ ممالک مورد نظر توسعه می یابد، و چنان که در لوح هشتم^{۱۰} آمده: "خلاصه به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنید. در اندک زمانی نتایج عظیمه حاصل گردد." و به دنبال آن هدف غائی را یادآور می شوند که "عَلَمِ صلحِ عمومی در قطب عالم موج زند و انوار وحدت عالم انسانی جهان را روشن نماید." (ص ۲۲) همچنین، در لوح هفتم^{۱۱} می فرمایند: "مِن بَعْدِ هزار مرتبه بر همت بیفزائید و در این ممالک و پایتخت ها و جزائر و محافل و کنائس ندا به ملکوت ابهی کنید، و دائرةٔ همت باید وسیع گردد، و هرچه وسیع تر شود موقّیّت بیشتر گردد." (ص ۲۴) از لوح نهم به بعد، مجدداً حضرت عبدالبهاء به موضوع نشر امرالله [دین بهائی] در آمریکا و کانادا باز می گردند.

اجرای کامل الواح ملکوتی مستلزم وجود تشکیلات بود.

اجرای کامل الواح ملکوتی که در آن ذکر حدود ۱۳۰ کشور و سرزمین آمده بی گمان مستلزم وجود تشکیلات بوده و این حقیقتی است که از خود الواح مذکور هم استنباط می شود.

مثلاً در لوح سوم، بعد از ذکر پاره ای از مناطق آمریکا، می فرمایند: "اگر ممکن گردد نفوسی مُنقطعِ اِلَى الله و مُنزه و مقدّس به آن صفحات بفرستید." در لوح چهارم هم دستور اعزام نفوسی به بعضی از ایالات آمریکاست، و در این موارد البتّه افراد را نمی توان مسؤل قرار داد. در لوح ششم به استقرار خانمی بهائی در آلاسکا به عنوان کتابدار کتابخانهٔ عمومی اشاره می فرمایند و اضافه می فرمایند: "ولی ندا به ملکوت الهی هنوز در آن اقلیم وسیع بلند نشده." به عبارت دیگر، تشکیل گروه و جامعه ای بهائی برای ایفای وظیفه تبلیغ ضرور است. یا وقتی در همان لوح اشاره می فرمایند که باید نفوسی به ۶ جمهوری آمریکای مرکزی بروند، تصریح می فرمایند: "نفوسی که به آن صفحات می روند باید به لسان اسپانیولی مألوف باشند." و در اینجا هم پای

تشکیلات ناچار در میان می آید که در انتخاب یا تعلیم نفوس به زبان مذکور اهتمام کنند. در لوح هفتم لزوم وجود تشکیلات بارزتر می شود وقتی امر می فرمایند: "کتب و رسائلی به لسان های این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند."

در لوح هشتم ایجاد تشکیلات خاصی را برای نشر کلمه الله در ممالک سائره توصیه می فرمایند: "هم چنین، هر وقت ممکن شود، یک دائره ترجمه الواح تأسیس شود." و "هم چنین مجله نجم باختر را در نهایت انتظام تحریر نمایند، ولی مندرجات باید مروج امرالله باشد، تا کل در شرق و غرب مطلع بر وقایع مهمه گردند."

با این مقدمات، عجیب نیست که جامعه آمریکا حدود بیست سال به تمهید مقدمات پرداخت، تا بالاخره در سال ۱۹۳۷ به اجرای فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء آغاز کرد.^{۱۲}

یادآوری این نکته مفید است که حضرت ولی امرالله دو سال قبل از آن (۱۹۳۵) به احتبای آمریکای شمالی اعلام فرمودند که در سال بعد در عین اوضاع نابسامان و وخیم دنیا زمان آن می رسد که تعلیمات حضرت بهاءالله به جماعات بی شماری از مردم که تشنه چنین تعلیماتی هستند برده شود. در همان سال، در فرصت دیگر احتبای آمریکا را به اجرای الواح ملکوتی که دست تقدیر بر عهده آنان نهاده تشویق فرمودند و گفتند با این کار درهائی بر سرنوشت بسیار شکوهمند آن سرزمین گشوده خواهد شد.

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۳۷ دستور فرمودند که کانونشن مشترک کانادا و آمریکا جلسات خود را طولانی تر کند و به مشورت در مورد وظائفی که در اجرای نقشه هفت ساله به عهده خواهند داشت پردازند. هدف های عمده نقشه چنین تعیین شد:

اول- تکمیل تزئینات خارجی مشرق الاذکار و ولیمت

دوم- تشکیل یک محفل روحانی محلی در هر ایالت و هر ولایت آمریکای شمالی و آلاسکا.

سوم- ایجاد یک مرکز امری در هر یک از جمهوری های آمریکای لاتین و جزائر کارائیب.

و به موقع خواهیم گفت که علی رغم مشکلات ناشی از شروع جنگ جهانی دوم، و بعد از ورود آمریکا در جنگ، این نقشه با موفقیت کامل به اجرا در آمد، و در نتیجه آمریکا آمادگی بیشتری برای اجرای آنچه حضرت عبدالبهاء در الواح ملکوتی فرموده بودند حاصل کرد: "این ندای الهی چون از خطه امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احتبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد." (مکاتیب، ج ۳، ص ۲۱)

و خصوصاً در نقشه دوم هفت ساله و طی جهاد کبیر اکبر سال های ۱۹۵۳-۱۹۶۳ بود که آمریکا بیش از همه جوامع دیگر بهائی به فتح روحانی اقالیم سایره توفیق یافت.

القاب و عناوین مرحمتی به مخاطبان الواح

بنیاد الواح ملکوتی، یعنی پریلیغ [فرمان] تبلیغ، بر تشویق، تشجیع، و تقویت عزّت نفس در مخاطبان است. عناوینی که حضرت عبدالبهاء به مخاطبان الواح ملکوتی مرحمت کرده اند درخور تأمل و توجّه خاصّ است. در خطاب به احبّای امریک و کانادا می فرمایند:

- ۱- ای منادیان آسمانی؛
- ۲- ای منادیان ملکوتُ الله؛
- ۳- ای نفوس آسمانی، ای محافل روحانی، ای مجامع ربّانی؛
- ۴- ای آبناء و بنات ملکوت؛
- ۵- ای آبناء و بناء ملکوت؛
- ۶- ای نفوس مبارکه؛
- ۷- ای احبّای حقیقی امریک (خطاب به جمع احبّای هر دو کشور و محافل و مجامعشان)؛
- ۸- ای حواریون بهاءالله؛
- ۹- ای دوستان حقیقی؛
- ۱۰- ای نفوس مبارکه محترمه؛
- ۱۱- ای احبّای قدیم و یاران ندیم؛
- ۱۲- ای یاران و اِماءِ رحمن، مُختارین ملکوت؛
- ۱۳- یاران مهربانا، و اِماءِ رحمانا؛
- ۱۴- ای نفوس آسمانی و آبناء و بنات ملکوت.

در میان این عناوین "حواریون حضرت بهاءالله" در خور تعمّق بیشتر است.

نکته ای که در الواح ملکوتی توجّه را به خود جلب می کند این است که در موارد متعدّد به عالم مسیحیت و اعزام حواریون مسیح به تبشیر ظهور ملکوت در نقاط مختلف جهان ارجاع می دهند و انتظار هیکل مبارک این است که احبّای امریک هم بر اثر قدوم آن حماسه آفرینان تاریخ مسیحیت حرکت کنند.

مثلاً، در لوح اوّل به انجیل استناد می فرمایند که: "در انجیل شریف می فرماید به شرق و غرب سفر کنید و جمیع را به نور هدایت کُبری روشن نمائید، تا از حیات ابدی بهره و نصیب گیرید."

در لوح دَوّم: "در انجیل می فرماید به اطراف عالم روید و بشارت به ظهورِ ملکوتُ الله دهید."

در لوح سوّم: "در انجیل جلیل می فرماید چون تخم پاک در ارض طیبه طاهره افشانده گردد، فیض و برکت آسمانی حصول یابد."

در لوح چهارم: "در انجیل شریف می فرماید که به اطراف جهان روید و ندا به ملکوتُ الله نمائید. حال وقت آن است که شما به این خدمت عظیم قیام کنید."

ظاهراً مستند حضرت عبدالبهاء برای قیام به نشر کلمه الله انجیل است، اما در باطن حضرتش متکی است بر آوامرِ جمالِ مبارک [حضرت بهاء الله] که نصرت امر را از طریق تبلیغ و سفر تبلیغی تشویق فرموده اند، چنان که در گفتار دیگری از آن سخن خواهد رفت.

در ذکر سرمشق حواریون مسیح، ظاهراً هیكلِ اقدس [حضرت عبدالبهاء] بیشتر به صفات و ملکاتِ مهاجرین و مبلغین نظر دارند.^{۱۳}

از جمله مشخصات نفوسی را که قیام به خدمت می کنند در الواح ملکوتی چنین مقرر می فرمایند: مُنْقَطِعِ اِلَى الله، تنزیه و تقدیس، ثبوت بر میثاق الهی، نیت خالص، قلب مستغنی، روح منجذب، فکر مُستریح، عزم و اراده قوی، همت بلند، اشتعال به نارِ مَحَبَّتِ الله، و البته اُلفت و مَحَبَّتِ بین احباب شرط بنیادی موقّعیّت در قیام آنان بر خدمت است.

سوابق این صفات و مشخصات را در آثار حضرت بهاء الله می توان یافت، چنان که در موقع خود به آن اشارت خواهد رفت. به عنوان نمونه، به یک بیان جمالِ ابهی در جلد ۴ مائده آسمانی (ص ۴۸) اکتفا می شود: "و شرایطِ مبلغین تقدیس و تنزیه است و هم چنین توکل و انقطاع... طوبی از برای عبادی که خالصاً لوجهِ الله قصدِ بلاد نمایند لِاجلِ تبلیغ امر و انتشار آثار. لَعْمَرُ الله ارض به قدوم این نفوس افتخار نماید."

علاوه بر عناوین مخاطبان که نمودار لطف و عنایت خاصّ حضرت عبدالبهاء به احتیای آمریکاست، در متن الواح وصایا نیز جملات و عباراتی آمده که این مراحِمِ مخصوصه را تأیید می کند:

در لوح هفتم: "عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره های دُرّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید. ملاحظه کنید که موقّعیّت حواریون در زمان مسیح معلوم نبود، نفسی به آنان اعتنا نداشت... هم چنین موقّعیّت شما حال معلوم نه. امیدوارم که بزودی موقّعیّت شما زلزله در آفاق اندازد." (ص ۲۰)

در لوح نهم: "قطعاً امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار." (ص ۳۷)

در لوح چهاردم: "اگر به آن [به انتشار امر الهی] موقّق شدید، جهان، جهان دیگر گردد و روی زمین بهشت برین شود، و تأسیسات ابدیه گذاشته شود." (ص ۶۲)

در مورد مستقبل کانادا، بشارت حضرت عبدالبهاء روح بخش و شادی آفرین است. در مکاتیب، ج ۳، ص ۵۴ در باره کانادا مذکور: "اقلیم کانادا مستقبلس بسیار عظیم است و حوادثش بی نهایت جلیل."

و در صفحات ۵۵ و ۵۶: "مستقبل کانادا بسیار عظیم است، چه از حیثیت ملک، و چه از حیثیت ملکوت. مَدَنیت و آزادی روز بروز تزايد خواهد نمود."

موقّعیّت های بعدی جامعه آمریکا طی نقشه های هفت ساله اول و دوم که بر اساس الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء تهیه و تنظیم شده بود موجب آن شد که این الطاف و عنایات استمرار یابد، و حضرت ولیّ امرالله از جمله در توقیع مورّخ ۲۹ آوریل ۱۹۵۳ خود چنین ستایشی را از جامعه یاران آمریکا بفرماید: ^{۱۴}

۱. اخلاف روحانی مطالع انوارِ عصرِ رسولی امر بهائی؛

۲. اُمنای اصلی الواح جاودانی نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء؛

۳. مجریان اولیة فرمان صادر از مرکز میثاق حضرت بهاءالله؛

۴. بانیان نظم اداری الهی؛

۵. عَلم داران سپاه مظفّر ربّ الجنود؛

۶. مشعل داران مَدَنیت جهان آرای سماوی آینده.

وعدۀ برکات آینده

گفتیم که جمعیت بهائیان آمریکا و کانادا قلیل بود و منابع آنان محدود. معذک، حضرت عبدالبهاء به آنان نوید آن را می دهند که برکات الهی شامل خدمات آنان خواهد شد. نمونه ای از این نوید ها را ذیلاً می آوریم.

در لوح اول: "هر تخمی برکتش محدود است، ولكن تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود... در قرآن می فرماید که یک حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد... و خداوند اگر بخواهد مضاعف فرماید."

در لوح دوم: "نفسی که به حقائق و معانی ظهور ملکوت بشارت دهد مانند دهقانی ماند که تخم پاک در زمین پاک افشاند و ابر نیسانی فیض باران مبذول دارد. البته... خرمن ها تشکیل نماید."

در لوح سوم: "در انجیل جلیل می فرماید چون تخم پاک در ارض طیبۀ طاهره افشاندۀ گردد، فیض و برکت آسمانی حصول یابد."

وعدۀ برکات آینده به ظاهر ظاهر هم در سال های ۱۹۱۷-۲۰۰۷ تحقّق پیدا کرد. در حالی که عدد بهائیان آمریکا در سال ۱۹۱۶ به ۲۹۰۰ نفر نمی رسید، آمار کنونی از ۱۵۰ هزار می گذرد. و منابع مسیحی رقمی بسیار بالاتر را ارائه می کنند، چنان که کتاب سال دانش نامه بریتانیکا مربوط به سال ۲۰۰۶ چنین می نویسد:

شماره بهائیان آمریکا در سال ۱۹۰۰: ۲۸۰۰ نفر؛

شمارهٔ بهائیان آمریکا در نیمهٔ سال ۱۹۷۰ ۱۳۸۰۰۰ نفر؛

شمارهٔ بهائیان آمریکا در نیمهٔ سال ۱۹۹۰ ۶۰۰۰۰۰ نفر؛

شمارهٔ بهائیان آمریکا در نیمهٔ سال ۲۰۰۰ ۷۷۴۰۰۰ نفر؛

شمارهٔ بهائیان آمریکا در نیمهٔ سال ۲۰۰۵ ۸۲۹۰۰۰ نفر؛

رشد سالانه در فاصلهٔ ۱۹۹۰-۲۰۰۰ ۲/۵۸ درصد

بر نگارندهٔ این سطور علت این تفاوت فاحش بین آمارهای بهائی و آمارهای مسیحی روشن نیست. اما آنچه مسلم است افزایش بسیار سریع جمعیت بهائیان آمریکا در طی نود سال اخیر است، که قطعیت و عود حضرت عبدالبهاء را حکایت می کند.

مضامین عمدهٔ الواح ملکوتی

تلخیص مطالب متنوعی که در ۱۴ لوح مذکور آمده کار آسانی نیست. در اینجا با کمال اختصار، و بدون رعایت اهمیت و اولویت، ۱۹ مطلب عمده ای که در این الواح آمده ذیلاً عرضه می دارد، و البته راه بر طبقه بندی به شیوه و روش دیگر باز است:

۱. تشویق بر تبلیغ و هدایت اهالی در ایالات مختلفهٔ آمریکا و مناطق مختلفهٔ کانادا؛

۲. تشویق عموم بر قیام به خدمت؛

۳. دستور اعزام مبلغین به آن نواحی؛

۴. دستور نشر امرالله نخست در آمریکای مرکزی و جنوبی، و بعد در قارات سائره؛

۵. تشویق به اعزام مبلغ زبان دان به چین و ژاپن؛

۶. ذکر آن که به قدوم مبارک استعداد در آمریکا ظاهر شده و حال باید بذرهای کاشته را آبیاری کرد؛

۷. دستورات اجرایی، چون تشکیل محفل تبلیغ، ترجمهٔ الواح، نشر کتب استدلالیه، ادامهٔ انتشار نجم باختر؛

۸. وعدهٔ ظهور استعدادات بدیع بعد از جنگ؛

۹. وعدهٔ آن که علم صلح عمومی بلند خواهد شد؛

۱۰. اگر احبّاء قیام کنند، وحدت عالم انسانی در قطب آمریکا خیمه بر خواهد افراخت؛

۱۱. تشویق بر انقطاع از دنیا و سفر در اقالیم چون ملکوت آسمان، بحثی از شرائط و صفات مبلغین و مروجین و تشویق به پیروی از سرمشق حواریون مسیح؛

۱۲. بشارات جان پرور به احبّای خدمت گزار و مبلغین، علی رغم قلت عدد آنان؛

۱۳. مناجات های متعدّد برای مبلغین و ناشرین نجات. ۹ مناجات در آخر الواح مذکور آمده است است؛

۱۴. ذکر مستقبل عظیم کانادا؛

۱۵. تصریح به اهمّیت بعضی مناطق، چون گرین لند (Greenland)، بلاد اسکیمو (Eskimo)، مدینه بهائیه (Bahia) در ساحل شرقی برزیل (Brazil)، جمهوری پاناما (Panama)، توجّه به اهمّیت تبلیغ در میان بومیان قدیم آمریکا؛

۱۶. تجلیل از خدمات احبّاء در منطقه شیکاگو، تشبیه کالیفورنیا (California) به ارض اقدس و توصیه آن که باید مشابهت ملکوتی هم حاصل شود؛

۱۷. تأکید در لزوم اتحاد احبّاء و تمسّک به عهد و میثاق؛

۱۸. تشویق به تأسّی به سرمشق آن حضرت و اشاره به سفر مبارکشان به آمریکا، ضمن آرزوی مشارکت مجدّد در خدمات مهاجرتی و تبلیغی؛

۱۹. تشویق بر نشان دادن جهت جامعه دیانت و به مدد آن تقلیب روحانی مردم.

باید متذکّر بود که در الواح ملکوتی استثنائاً از بعضی نفوس و خدمات ارزنده ایشان نام برده شده است، مانند میس مکسول (Mrs. Maxwell)، که در لوح سیزدهم نامشان آمده، و میس الکساندر (Miss Alexander)، که در لوح هفتم ذکر شده اند، و میس نوبلاک (Miss Knoblock)، که در همان لوح هفتم مذکور آمده اند، و بالاخره مهاجره آلاسکا، خانم مارگرت گرین Margaret Green که در لوح ششم مورد اشاره قرار گرفته اند. میس مارگارت گرین در تاریخ ۱۶ جون ۱۹۱۵ از پایتخت آمریکا، واشنگتون دی سی، به آلاسکا (Alaska) رسید و ظاهراً وی اوّل نفس بهائی است که مقیم آلاسکا شده است. در مورد میس ماکسول، میس الکساندر، و میس نوبلاک اطلاعاتی بسیار فشرده ذیلاً خواهد آمد.

میس می مکسول (Mrs. May Maxwell)، آمریکائی (۱۸۷۰ - ۱۹۴۰)، بنیادگذار امر بهائی در پاریس بود (۱۸۹۹) و پس از ازدواج با جناب مکسول (۱۹۰۲) امر مبارک را در مونترآل (Montreal) کانادا نیز مستقرّ کرد. وی در شمار اوّل زائران غربی به حضور مبارک حضرت عبدالبهاء در عکا بود (۱۸۹۹)، و به دستور آن حضرت مجدّداً به پاریس برای نشر نجات الهی بازگشت کرد. نفوس مهمّه ای توسط ایشان در فرانسه تصدیق امر الهی را کردند. از جمله توماس بریکول (Thomas Breakwell)، هیپولیت دریفوس (Hyppolte Dreyfus) و همسر آینده اش لورا بارنی (Laura Barney)، میسن ریمی (Masson Remey)، و دیگران. حضرت عبدالبهاء هنگام بازدید کانادا در منزل آقا و خانم مکسول اقامت فرمودند. علی رَغْم ضعف مزاج، می مکسول خدمات تبلیغی و اداری خود را در آمریکا و کانادا ادامه داد. در زمان حضرت ولیّ امرالله به سیر و حرکت پرداخت و در سفر سال ۱۹۴۰ به آرژانتین جهت پشتیبانی از فعالیت های احبّاء در بوئنوس آیرس (Buenos Aires) در گذشت، و حضرت ولیّ امرالله به ایشان لقب شهید را اعطا فرمودند. صبیّه ایشان، ماری مکسول (Mary Maxwell) (امّه البهائیه روحیه خانم)، در سال ۱۹۳۷ به عقد نکاح حضرت ولیّ امرالله در آمد، و تا آخر حیات به خدمات بین المللی قائم و موفق بود.

میس آگنس الکساندر (Miss Agnes Alexander)، آمریکائی (۱۸۷۵ - ۱۹۷۱)، که در هاوایی (Hawaii) در یک خانواده میسونر مسیحی متولّد شد. در سفری به ایتالیا در سال ۱۹۰۰ به امر مبارک ایمان آورد. در دسامبر ۱۹۰۱ به هاوایی بازگشت و

اول فرد بهائی در آن جزیره بود، و موجب ایجاد و بسط و رشد جامعه بهائی در آن سرزمین شد. بعد از مرگ پدر و مادر خود به کشور آمریکا رفت و به توصیه حضرت عبدالبهاء عازم ژاپون شد (۱۹۱۴) (Japan) و به یاد جناب جرج اُگور (George Augur) جامعه بهائی را در آن مملکت مستقر کرد و بقیه عمر را در همان دیار گذراند. او اول کسی بود که در سال ۱۹۲۱ امر مبارک را در کره تبلیغ کرد و در ۲۷ مارس ۱۹۵۷ به سیمت آیدای امرالله از طرف حضرت ولی امرالله منصوب گردید. در گذشت ایشان در همان هاوایی اتفاق افتاد.

میس آلما نوبلاک (Alma Knobloch)، (۱۸۶۳ - ۱۹۴۳)، از احبای برگزیده آمریکا بود که به عنوان مبلغ و مهاجر به آلمان رفت (۱۹۰۷ - ۱۹۲۰)، و خواهرش فنی (Fanny) نیز مهاجره آفریقای جنوبی بود. شرح حالش در مجلد نهم عالم بهائی آمده است (صص ۶۴۱-۶۴۳).

حضرت عبدالبهاء در لوحی (مکتوبی) خطاب به یکی از احبای می فرماید خوشوقت هستند که وی کمکی برای دکتر فیشر (Dr. K. E. Fisher) جهت تبلیغ امرالله در آلمان یافته است. کنیز الهی میس آلما نوبلاک برای چنین خدمت بسیار مقبول است. نامبرده باید تا هر قدر می تواند در آلمان باقی ماند. به اهتمام آلما، بسیاری از جوانان در اشتوتگارت (Stuttgart)، لایبنیتز (Leibnitz)، هامبورگ (Hamburg)، و شهرهای دیگر به تشکیل جلسات غیر رسمی تبلیغ و مطالعه آثار الهی به میزانی که ترجمه آنها در دسترس بود روی آوردند، و در نتیجه محافل روحانی محلی در اشتوتگارت (Stuttgart)، اسلینگن (Esslingen)، زوفهازن (Zuffenhausen)، لایبنیتز، و ژرا (Gera) تشکیل شد.

آلما پیش از آن که به آمریکا باز گردد از اطیش، سوئیس، لندن و پاریس بازدید به عمل آورد و بسیاری را به امر مبارک هدایت کرد.

رَبُّ الْجُنُودِ و سپاه حیاتش

اصطلاح رَبُّ الْجُنُودِ، یا خداوند لشگرها، در کتاب عهد عتیق، از جمله در آغاز فصل سوم کتاب اشعیاء و در ابتدای باب هشتم کتاب زکریا، چنان که جناب اشراق خاوری در جلد اول ریحیق مختوم (صص ۵۱۲-۵۱۴) آورده اند، در باره موعود منتظر به کار رفته. اشعیاء از حرب عظیم و مهیب که در آن مردان خدا و شجاعان به جنگ خواهند افتاد سخن می گوید، و زکریا از بازگشت یهود به اراضی مقدسه و این که اورشلیم به شهر حق و کوه یهوه صباوت (یا رَبُّ الْجُنُودِ) به کوه مقدس مُسمی خواهند شد. مسلمانان، چنانکه می دانیم، از امام زمان تصویر مردی شمشیرکش را در ذهن مجسم می کنند که ریشه بیداد را بر خواهد کند (در حالی که صریح برخی احادیث این بود که موعود کمال موسی، و بهاء عیسی، و صبر آیوب را خواهد داشت، و اولیاء او در زمان او ذلیل خواهند شد^{۱۵}).

حضرت عبدالبهاء به تعبیر رَبُّ الْجُنُودِ معنای دیگری می بخشند، زیرا از احبای به عنوان "سپاه حیات و جنود نجات" که در سراسر عالم به حرکت آمده اند و عالمیان را به ظهور جدید و قُرب نزول ملکوت الله عَلَی الْأَرْضِ بشارت می دهند، یاد می فرمایند، و حتی مناجاتی را به همین موضوع اختصاص می دهند که در پایان لوح ششم آمده است: "ای خداوند بی همتا- ای رَبُّ

ملکوت. این نفوس سپاه آسمانی تواند. امداد فرما و به جُنُودِ مَلَأَ اَعْلَىٰ نَصْرَتِ کُنْ تا هریک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به مَحَبَّتِ اللّٰهِ و نوراَنِیَّتِ تعالیم الهی فتح کنند... الخ" (صص ۱۸-۱۹)

فتح ممالک با مَحَبَّتِ اللّٰهِ و نوراَنِیَّتِ تعالیم الهی با تصویری که از موعود کتب مقدّسه آمد به کلّی متفاوت است، و معنی حقیقی و باطنی رَبُّ الْجُنُودِ هم همین است، یعنی مَظْهَرِ موعودِ جَانُ بخش است، نه جَانُ ستان، نجات دهنده است، نه هلاک کننده، حیات روحانی عطا می کند، نه آن که زندگی جسمانی را از میان بر اندازد.

عباراتی چند از کتاب اَشْعِیَا در تأیید این تفسیر ذیلاً نقل می شود:

"و در آن روز خواهند گفت اینک این خدای ماست که منتظر او بوده ایم و ما را نجات خواهد داد." (باب ۲۵، آیه ۹)

"و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود، و کمر بند میانش امانت، و گرگ با بره سکونت خواهد داشت." (باب ۱۱، آیه ۵)

"سلطنت بر دوش او خواهد بود... و پدرِ سَرْمَدِی و سَرَوَرِ سلامتی (صلح و سلام) خوانده خواهد شد." (باب ۹، آیه ۷)

"او اَمّتِ ها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیاری را تنبیه خواهد کرد، و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای اژه ها خواهند شکست، و اَمّتِی بر اَمّتِی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت." (باب ۲، آیه ۴)

تأثیر و انعکاس الواح ملکوتی در نقشه های آینده جامعه بهائی

الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء منشاء و مصدر همه نقشه هائی بود که از آن پس در عالم بهائی به موقع اجرا در آمد. چنان که قبلاً گفتیم، پس از دو نقشه هفت ساله آمریکای شمالی (۱۹۳۷-۱۹۴۴ و ۱۹۴۶-۱۹۵۳) و نقشه جهاد کبیر اکبر [نقشه ده ساله]، ۹ نقشه در سراسر جهان بهائی طرح و اجرا شده است. هر چند که حضرت عبدالبهاء در الواح ملکوتی از یکصد و سی کشور و سرزمین نام برده اند و در حال حاضر شماره ممالک و سرزمین های مستقل از ۲۳۰ می گذرد، اما شبهه نیست که نظر حضرت عبدالبهاء همه کره زمین را دربر می گرفته، چنان که جناب علی نجوانی در مقاله خود به مناسب هفتادمین سالگرد آغاز اولین نقشه تبلیغی منظم و مستمر [در آمریکا و کانادا]^{۱۶} چنین نوشته اند: "هرچند فرامین تبلیغی به بهائیان آمریکای شمالی خطاب گردیده، ولی حضرت ولی امرالله آن را به عنوان فرمانی از طرف حضرت عبدالبهاء به بهائیان سراسر عالم دانسته اند، و مثلاً نقشه ده ساله یا جهاد کبیر اکبر را که مخاطب آن همه بهائیان عالم بودند مرحله ای از اجرای مستمر مندرجات فرامین تبلیغی شمرده اند، چنان که می فرمایند منشوری که محرک و موجد این جهاد کبیر روحانی است الواح ابدی تبلیغی صادره از یَرَاعَةُ [قلم] مرکز میثاق الهی می باشد (ترجمه به مضمون). به علاوه، در چندین پیام اشاره فرموده اند که اختتام جهاد روحانی ده ساله فقط نمایان گر پایان گرفتن اولین مرحله از مراحل اجرای دستورات مندرج در فرامین تبلیغی است."

خود حضرت عبدالبهاء در موارد شتبی [مختلف] توجه خود را به فتح روحانی سراسر جهان تصریح فرموده اند، چنان که در الواح وصایا، که سال ها قبل از الواح ملکوتی تحریر شده، می فرمایند که پس از صعود حضرتشان باید حضرات افنان، حضرات آیادی

امرالله و جیمع یاران و دوستان "بِالِاتِّفَاقِ بِه نَشْرِ نَفَحَاتُ اللّهِ وَ تَبْلِیغِ اَمْرِ اللّهِ وَ تَرْوِیجِ دِیْنِ اللّهِ بِه دَل و جَان قِیَامِ نَمَیْنِد، دَقِیْقَه اِی اَرَام نَگِیْرِنْد و اَنی اسْتِرَاحَت نَکَنْد. دَر مَمَالِک و دِیَار مَنْتَشِر شَوْنِد و اَوَارَه هَر بِلَاد و سَرگِشْتَه هَر اَقْلِیْم گَرْدَنْد... دَر هَر کِشُورِی نَعْرَه «یا بَهَاءَ الْاَبْهَی» زَنْد و دَر هَر شَهْرِی شَهْرَه اَفَاق شَوْنِد... تا دَر قَطْبِ اَفَاقِ اَنْوَارِ حَقِّ اشْرَاقِ نَمَیْد و دَر شَرْق و غَرْبِ جَمِّ غَیْبِری دَر ظَلِّ کَلْمَه اللّهِ دَر اَیْد... دَر اِیْن اِیَّامِ اَهَمِّ اَمُورِ هِدَایَتِ مَلَلِ و اُمَمِ اسْت...» (اِیَّامِ تَسْعَه، صص ۴۶۵-۴۶۶). می توان گفت که پیش آهنگی آمریکائیان برای ره گشائی و دادن سر مشق بوده است، همان طور که به فرموده حضرت عبدالبهاء خطاب به اجبای آن دیار (لوح هفتم، ص ۲۰): "مَوْقِیَّتِ شَمَا حَالِ مَعْلُومِ نَه، اَمِیْدِوَارِ مِ کِه بَزُودِی مَوْقِیَّتِ شَمَا زَلْزَلَه دَر اَفَاقِ اَنْدَازِد."

شاید مناسب باشد که برای نشان دادن اهمیّت و وسعت ان موقّیّت، مَحَصَلِ عَمَلِ کَرْدِ اوّلین اجرای بین المللی نقشه ملکوتی، یعنی نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر را، که آمریکائیان در آن سهم عمده داشتند، در اینجا نقل کنیم. فتوحات نقشه ده ساله، به نقل از کتاب "کور و دور بهائی" بدین شرح بود:

- ۱- توسعه موقوفات امری در ارض اقدس؛
- ۲- اتمام بنای دائرالآثار بین المللی؛
- ۳- توسعه تحکیم روابط جامعه بین المللی بهائی با سازمان ملل متحد؛
- ۴- تطیهر اراضی حول روضه مبارکه حضرت بهاءالله از وجود ناقضین؛
- ۵- توسعه مؤسسه ایادی امرالله؛
- ۶- افزایش تعداد ممالک و اقالیم به ۲۵۹؛
- ۷- افزایش تعداد زبان هائی که آثار امری به آنها ترجمه شده (۲۲۰ زبان جدید)؛
- ۸- افزایش تعداد محافل روحانی ملی به ۵۶؛
- ۹- تسجیل ۳۴ محفل روحانی ملی جدید؛
۱۰. تأسیس ۷ مؤسسه ملی مطبوعات جدید؛
۱۱. مشارکت اِمَاءِ الرَّحْمَنِ [خانم های] ایران در انتخابات ملی و محلی؛
۱۲. تدوین اساس نامه محافل ملی و تأسیس موقوفات امری به وسیله محافل ملی جدید تأسیس؛
۱۳. افزایش تعداد حظائر قدس ملی به ۷ برابر با تأسیس ۴۸ حظیره القدس جدید؛
۱۴. ارتفاع بنای سه اُمّ المعابد آفریقا، استرالیا، اروپا؛
۱۵. خرید اراضی برای بنای مَشْرِقُ الْاَذْکارِ کوه کرم؛
۱۶. تأسیس نخستین مؤسسه از ملحقات مَشْرِقُ الْاَذْکارِ آمریکا؛

۱۷. خرید اراضی برای بنای ۴۶ مَشْرِقُ الأَذْكَار در ۵ فَاژةٔ عالم؛

۱۸. طرح مقدمات ساختمان مَرَقَد حَرَمِ حضرتِ اَعْلَى؛

۱۹. خرید اراضی سیاه چالِ طهران و مَحَبَسِ حضرتِ اَعْلَى در چهریق؛

۲۰. تأسیس ۷ شعبه از محافل روحانی مَلّی عالم در اسرائیل.

تأثیر نقشه در قیام های فردی

گفته شد که پس از زیارت الواح ملکوتی توسط اجنبای آمریکا در سال ۱۹۱۹ چندین تن از یاران بلافاصله قیام به سفر تبلیغی - مهاجرت و ابلاغ کلمهٔ الله در ممالک سائره کردند، که در صدر آنها باید از میس مارثا روت (Miss Martha Root)، خانم و آقای دان (Mr. and Mrs. Dunn)، خانم لوآ گتسینگر (Lua Getsinger)، ماریون جک (Marion Jack)، اموجین هاگ (Hoagg Emogene) و خانم آلما نوبلاک یاد کرد. میس مارثا روت از زمان قرائت آن الواح ملکوتی در نیویورک تا بیست سال پیوسته در سفر تبلیغی بود؛ هاید و کلارا دان (Hyde and Clara) به استرالیا رفتند و آن قاره را گشودند؛ لوآ گتسینگر به هندوستان و بعد مصر سفر کرد؛ ماریون جک به آلاسکا روی آورد؛ اموجین هاگ نیز رهسپار آلاسکا شد؛ نوبلاک روانهٔ آلمان شد و خواهرش به آفریقای جنوبی رفت؛ لئونورا آرمسترانگ (Leonora Armstrong)، مادر بهائیان برزیل [پس از صعود ایشان در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۰ بیت العدل اعظم در پیامی ایشان را مادر روحانی آمریکای جنوبی یاد کرده اند.] هم به ندای نخستین حضرت عبدالبهاء لبتیک گفت و به سفر تبلیغی روی کرد (۱۹۲۱) و چنان که قبلاً گفته ایم میس آگنس الکساندر هم راهی هاوایی و ژاپون شد.^{۱۷}

مارثا روت (۱۸۷۲-۱۹۳۹) در سال ۱۹۰۹ بهائی شد. وی در سال ۱۹۱۵ سفری طولانی برای بازدید جوامع مختلف بهائی در آسیا و نقاط دیگر کرده بود، ولی در پاسخ به الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء بود که در سال ۱۹۱۹ سفرهای تبلیغی بی وقفه خود را آغاز کرد و در همه جا به ترویج امرالله پرداخت. از جمله در آمریکای لاتین از شهری به شهری می رفت و دربارهٔ امر مبارک، از جمله در مجامع هواداران اسپرانتو (Esperanto) و محافل تئوزوف ها (Theosophes)، سخنرانی می کرد، و مقالات برای مطبوعات می نوشت و کُتُب بهائی را در کتابخانه ها گذاشت و رجال دولت ها و معلّمان و مرئیّان و امثال آنان را ملاقات می کرد. در زمان حضرت ولیّ امرالله به لقبِ فَخْرُ الْمُبَلِّغِینَ وَ الْمُبَلِّغَاتِ فائز شد. مارثا روت از سلامت کامل برخوردار نبود و در حالی که غالباً در فقر نسبی می زیست دقیقه ای آرام نداشت و از هر فرصتی برای ترویج امرالله استفاده می کرد و او اوّل بهائی بود که برای امر الهی برنامهٔ رایوئی اجرا کرد (پرت، استرالیا، در سال ۱۹۲۴ - Perth, Australia)، و در اروپا برای استقرار دفتر بین المللی بهائی کمک و یاری کرد (ژنو Geneva)، و روابط جامعهٔ بهائی را با گروه های اسپرانتیست (Esperantists) بسط بسیار داد و حضرت ولیّ امرالله او را، پس از صعودش، به مقام آیدای امرالله ارتقاء دادند. همین مختصر اهمّیت قیام او را برای ابلاغ کلمهٔ الهی روشن می کند. ظاهراً وی چهار بار دور کرهٔ ارض را برای ابلاغ امر مبارک گردید. در مورد آقا و خانم دان، فاتحان استرالیا، نقل آنچه حضرت ولیّ عزیز امرالله در توقیع "قرن بدیع" آورده اند در واقع کفایت می کند (ترجمهٔ فارسی، صص ۶۲۷-۶۲۸): "از جمله مجاهد کبیر و فارس شهیر هاید دان در سنّ ۶۲ سالگی لانه و آشیانهٔ خود را در کالیفرنیا ترک نمود و با عزمی راسخ و

یتّی خالص و همّتی بی نظیر به معاضدت و همراهی اّمهٔ موقّنه قرینهٔ محترمه اش به استرالیا مهاجرت کرد و به تأییدات الهیّه به فتح آن قارهٔ وسیعه و ابلاغ پیام الهی در هفتصد بلده از بلاد آن خطّهٔ مستعدّه موفق گردید.

کلارا دان (۱۸۶۹-۱۹۶۰) اصلاً انگلیسی بود و در حدود سال ۱۹۰۷ در واشنگتون (Washington) بهائی شد، و به همراه هاید دان، همسر خود، در سال ۱۹۲۰ به استرالیا مهاجرت کرد. حضرت ولیّ امّالله او را در سال ۱۹۵۲ به سمت ایادی امّالله منصوب فرمودند. هاید دان (۱۸۵۵-۱۹۴۱) هم انگلیسی و هم آمریکائی تبار بود. او در حدود سال ۱۹۰۵ بهائی شد و در سیاتل مبلّغ و مروّج فعّال امر بهائی گردید. با کلارا در سال ۱۹۱۷ ازدواج کرد و چنان که گفته آمد با همسر خود در ۱۹۲۰ فاتح قارهٔ استرالیا گردید. سال ها در سفر بود و همه جا امر مبارک را معرّفی می کرد. حضرت ولیّ امّالله او را فاتح روحانی استرالیا لقب داده اند و بعد از صعودش به مرتبهٔ ایادی امّالله ارتقاء بخشیده اند. در سال ۱۹۲۲ نیوزیلند توسط این زوج گرامی فتح شد. زندگی نامهٔ بسیاری از نفوسی که ذکرشان رفت، چون مارثا روت و لوآ گتسینگر، موضوع تحقیقات مبسوط قرار گرفته و به صورت کتبی مفصّل نشر شده است.

ماریون جک (Marion Jack)، بهائی سرشناس کانادائی بود که در پاریس به سال ۱۹۰۰ به امر مبارک ایمان آورد. در سال ۱۹۰۸ وی به اطفال عائلهٔ حضرت عبدالبهاء در عکا انگلیسی تعلیم می داد. در سال ۱۹۱۹ وی همراه ایموجین هاگ سفرهای درازی در آلاسکا و Yukon برای تبلیغ امّالله کردند. در سال ۱۹۳۰ وی در بلغارستان به عنوان مهاجر بهائی ساکن شد و، علی رغم سختی ها و مشقّاتی که با آنها روبرو شد، بقیهٔ عمر را در آن دیار ماند. حضرت شوقی ربّانی او را به عنوان یک زن قهرمان جاودان، و نفسی که سرمشق درخشان مهاجران بهائی است، ستوده اند.

مقایسه ای با کار میسیونرهای مسیحی

هر چند قیام احبّاء برای نشر امر حضرت بهاءالله شباهت با دورهٔ اوّل مسیحیّت، یعنی رسالت حواریون حضرت مسیح، دارد، امّا از جهات دیگر، خصوصاً شغلی نبودن کار تبلیغ و تبشیر در امر مبارک [دین بهائی]، تعمیم این مسئولیّت به همهٔ احبّاء و عدم تخصیص آن به قشر خاصّ روحانی، و از آن مهمّ تر، عدم اتّکاء امر مبارک بر قوای دولتی «استعماری» به کلی از کار میسیونرهای مسیحی (مبشّرین مسیحی) متمایز و متفاوت است.

ذکر مجملی دربارهٔ تاریخ میسیونری در عالم مسیحیّت به استناد دو مدرک مفید تواند بود.

این نکته گفتنی است که از ابتدای ظهور امر بهائی، مظهر امر توجّه به جهانی بودن رسالت خود که مخصوص سرزمینی نبوده و نیست داشته اند. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله "این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی نبوده و نیست. باید اهل عالم طرّاً به آنچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند."^{۱۸}

در عالم مسیحیّت شاید قرنیه چند ضرور بود تا مسیحیان متوجّه مسئولیّت وسیع تر خود در تبشیر ملکوت الهی، یعنی ورای حوزهٔ یهودی- رومی- یونانی گردند، و در نتیجه میسیونرهای برای تبلیغ به مناطق مختلف چون اروپا، آفریقا، خاور میانه، و در قرون جدید به آمریکا، بفرستند؛ در حالی که نفس الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء شاهد آن است که هیچ نقطه ای از کرهٔ ارض از

دیدگاه فرمانده الهی و سالار جُندِ هُدی مخفی نمانده است. و البته چون امر مبارک نظام کشیشی و مُلای را مُلغی داشته، همه اهل بهاء، کبیراً و صغیراً، مأمور به نشر کلمه الهی در اقطار جهان بوده و هستند^{۱۹}، چنان که نصوص حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی قبل از فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء بر آن دلالت دارد.

پُل پوپارد (Paul Poupard)، که مدتی هم مشاور مرکز جهان کاتولیک بود، در دیکسیونر ادیان خود (به فرانسه) چنین می نویسد: "می توان گفت که تبلیغ و تبشیر در عالم مسیحیت شامل حدّ اقل ۶ دوره بوده است. در مرحله اول خود حضرت عیسی بشارت به ظهور ملکوت الله می فرمودند. مرحله دوم با قیام حواریون بعد از مصلوب شدن آن حضرت آغاز شد که بشارت ظهور جدید را به اقوام مختلفه بردند. سومین مرحله پس از درگذشت دسته اخیر بود که با شهادت ها و مقاومت های مسیحیان پیام الهی به سراسر اروپا، و بعد آسیای صغیر و آفریقای شمالی، انتشار یافت. این مرحله منتهی شد به مرحله چهارم، که تشکیل دولت مسیحی باشد، که در آن کمتر تبشیر به ظهور ملکوت سبب بسط و نشر دیانت مسیح شد تا تربیت اطفال مسیحی. مرحله پنجم جذب و جلب دورافتادگان از کلیسا بود، یعنی مسیحی کردن مجدّد مسیحیان اسمی. وقتی مسیحیت در اروپا خوب مستقر شد، آن وقت فتح سایر قارّات توسط میسیونرها آغاز شد، و این در خارج حوزه اولیه یونانی- رومی بود و مقارن شد با آغاز توسعه استعماری غرب."

در مورد میسیون (Mision) و میسیونرها (Missionaries) پُل پوپارد می نویسد که در قرون اولیه این شور و حرارت مسیحیان بود که بدون برنامه ریزی قبلی [برای تبلیغ نفوس] به افراد منتقل می شد و سرایت می کرد، و در حقیقت نشر انجیل توسط نوعی مبشّری روحانی بود. پس حدود یک قرن کار میسیونری در عهده خود کلیسا بود و فونکسیون (فعالیت - Function) مستقلی را تشکیل نمی داد، و فقط از سال ۱۴۹۳ بود که وضع تغییر کرد، زیرا برای رسیدن به آمریکای تازه گشوده و یا به پایگاه های کشور پرتغال در گوآ (Goa)، مالاکا (Malacca)، ماکائو (Macao)، هم نیاز به وسائل بود و هم احتیاج به پشتیبانی و حمایت قوی. از این رو تبشیر (Evangelism)، یک فعالیت اختصاصی و مستقل شد که پاپ های کاتولیک مأمور و مسئول آن گردیدند.

حسب دستور پاپ الکساندر ششم (Pope Alexsander VI) صنف های مذهبی (Orders) برای این کار تشکیل شد، مانند فرانسیسکن ها (Franciscans)، دومنیکن ها (Dominican)، و ژزوئیت ها (Jesuit).

در سال ۱۶۲۲، هنوز اصطلاح تبلیغ یا پروپاگاندا مطرح بود. دو قرن بعد، اصطلاح میسیون و میسیونر جهت اعزام مبلغ به نواحی دوزدست و نزد اقوام عاری از مذهب مطرح گردید. مور (Mourre) در فرهنگ دائرةالمعارفی تاریخ خود می نویسد که فعالیت های میسیونری در همان اوائل به استناد کلام حضرت مسیح اهمیت یافت [اشاره به قیام حواریون به نشر کلمه الله] و نیز از زمان تشکیل شورای بیت المقدس، یعنی سنه ۴۸ م (میلادی) بود که آئین مسیح توانست از محدوده سابق خود که جامعه یهود بود فراتر رود. سفرهای سن پُل (پولس - Saint Paul) راه های جهان روم را بر روی دین جدید گشود و احتمالاً در همان آخر قرن اول مسیحی دیانت حضرت مسیح در مناطقی چون ایتالیا، سرزمین گُل (Gaul) و اسپانیا نفوذ کرد، ولی مشرق هنوز پایگاه عمده مسیحیت بود، و این افسانه باقی است که قائل شویم به آن که همه حواریون سفرهای میسیونری کرده اند، من جمله سن توماس (Saint Thomas) به هند.

در قرن چهارم میلادی انجیل در همهٔ مناطق دنیای رومی عرضه شده بود، ولی محدود به مرزهای آن امپراطوری نبود. در ایران، ارمنستان، و میان "گوت ها" (Gaut) و حتی در حبشه مسیحیت راه یافته بود. با حملهٔ قبائل بَرَبَر ژرمنی (German Barbar) اصحابِ کلیسا قائل بدان شدند که این اقوام هم حق رستگاری دارند. فرانک ها (Franks)، در قرن پنجم، از اول اقوامی بودند که به آئین کاتولیک پیوستند (حدود ۴۹۵ م). در ربع آخر قرن ۶ فعالیت های میسیونری در مناطق گُل (Gaul)، مناطق ژنان (Renan)، ایتالیای شمالی، توسط کشیش ها صورت گرفت و تعداد زیادی دیرها و صومعه ها در میان ژرمن ها تأسیس شد که پایگاه مسیحیت بود.

فعالیت رسمی کلیسای کاتولیک در امر میسیونری با پاپ سن گرگوار شکل گرفت (۵۹۰ - ۶۰۴) (Pope Saint Gregory)، خاصه در میان اقوام ژرمنی. از سال ۵۹۷ سن آگوستن (Saint Augustine) از کانتربوری (Canterbury) اعزام مبلغان و مبشران انجیل را در انگلستان شروع کرد، و در نیمهٔ دوم قرن ۷ کاتولیک های رومی بر کشیش های سلتی (Celtic) فائق آمدند. در قرن ۹ وعظ انجیلی در ممالک اسکاندیناوی شروع شد.

با آمدن شارلمانی (Charlemagne) اتحاد نزدیک کلیسا و دولت صورت گرفت، و از آن زمان هدف ولای میسیونری منحرف شد.

اکتشافات بزرگ دریائی قرون ۱۵ و ۱۶ سراسر کرهٔ ارض را بر روی میسیون های مسیحی گشود... و چنان که می دانیم تبلیغ مسیحیت با استعمار سرزمین های تازه همراه شد. در مقالهٔ مور (Mouure) ذکر سازمان هایی خاص هست که برای تشکّل میسیونرها و اعزام کشیشان به میسیون های تبلیغی بوجود آمدند، مثل جامعهٔ میسیون های خارجی که در پاریس در سال ۱۶۵۸ بوجود آمد، جامعهٔ میسیونر های مندلیت (Medelite Missionary) که در سال ۱۷۸۶ تأسیس شد، جامعهٔ بریتانیائی که در سال ۱۸۰۴ ایجاد شد، الخ.

البته اکتشافات جغرافیائی از قرون ۱۵ و ۱۶ تا قرن حاضر، همان طور که به وظیفهٔ میسیونری نزد مسیحیان پر و بال داد، در ظهور جدید هم اجازه داد که افق نظر توسعه یابد، و در نتیجه الواح ملکوتی از اقصی [دورترین] نقاط شرق و غرب و از بالاترین مناطق شمال تا جنوب را دربر می گیرد، و احترامی برای اقوام بومی قائل است که در عمل در عالم مسیحیت و نزد میسیونرهای بعد از دورهٔ استعمار (کولونیالیسم - Colonialism) غرب مصداق نداشته است.

همین اکتشافات جغرافیائی، همراه با ترقیبات علمی و فنی و بکار افتادن وسائل ارتباط و مخابرات سریع و وسیع بود که به حضرت بهاءالله امکان آن را داد که این حقیقت را که همواره از دیدگاه حق مسلم بوده، ولی بر مردمان مجهول و مستور، برملا کنند که عالم حکم قطعهٔ واحده را دارد و کلّ، اهل یک عالم و یک بساط هستند.^{۲۰}

تکلمه

در مکاتیب مبارکه، جلد سوم، بعد از ختم الواح دوره های اول و دوم که الواح عمومی است، بعضی الواح مخصوص به احتبای آمریکا نقل شده که بعضاً حاوی مطالبی در تأیید الواح ملکوتی است، مثلاً در لوح مندرج در ص ۹۶ تشویق بر مسافرت به

هونولولو (Honolulu) و ژاپن برای هدایت خلق آن اقلیم آمده. همین مضمون تعلیم امر به مردم ژاپن در ص ۹۸ آمده. بعضی از این الواح هم خطاب به احتبای مناطقی است، چون لوح ص ۸۲ به احتبای ایالات مرکزی آمریکا، لوح ص ۸۴ به احتبای کالیفرنیا، لوح ص ۹۲ به احتبای الهی در آلمان، و لوح ص ۹۵ به احتبای هونولولو. و می توان فرض کرد که مبلغان بهائی این مناطق برای تشویق مصدقان این الواح را در خواست کرده اند (مثلاً مستر اوکر برای هونولولو، و برای ایالات مرکزی آمریکا توسط مستر کارل شفر).

* مندرج در سفینه عرفان، دفتر ۱۱. تایپ شده از آدرس زیر:

http://irfancoolloquia.org/pdf/safini11_rassekh_plan.pdf

یادداشت ها

۱. پریلیغ ظاهراً لغتی مغولی و به معنای فرمان پادشاه است.

۲. لغت منشور بنا به فرهنگ معین به معنی فرمان و دستورالعمل غیر محرمانه دولت است. تعریف بهتر در کتاب فرهنگ روز سخن آمده که می گوید منشور اصول نظریات و عقائد کسی یا سازمانی است که به صورت رسمی طی اعلامیه ای اعلام و منتشر می شود. در مورد کلمه Charter) باید گفت که این کلمه در قرون وسطی به معنای اجازه مالکیت، یا فروش یا امتیازی بود که به نفسی اعطاء می شد. ولی امروزه Charter) بیشتر به معنای سیاسی مستعمل است. منشور سندی مهم است که از مصدر والائی چون حکومت صادر شود و پایه گذار یک سازمان، یک حق، یا امتیازات خاصی باشد و قابل مقایسه با قانون اساسی، چنان که وقتی گفته می شود منشور ملل متحد، مراد قانونی است که بیناد گذار، آن سازمان است.

۳. حضرت ولی امرالله، در کتاب قرن بدیع، کتاب مستطاب اقدسی را به عنوان منشور نظم بدیع حضرت بهاءالله و منشور تمدن آینده جهان توصیف کرده اند.

۴. نخستین گام در اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، نوشته جناب علی نخجوانی، ترجمه حوریوش رحمانی، نشریه پیام بهائی، شماره ۳۲۹.

۵. از جمله در کتاب حیات حضرت عبدالبهاء ممالکی که در دوره سی و نه ساله عهد ابهائی در ظل امر مبارک بودند بدین شرح هستند: ایران، عراق، ترکیه، قفقاز، برمه، مصر، گرجستان، هندوستان، فلسطین، لبنان، سودان، ترکستان. و سوریه، که عملاً همه کشورهای شرقی بوده اند.

۶. به حساب دیگر، ۱۳۰ سرزمین.

۷. در سورة الاعراف، آیه ۱۴۵، آورده شده که "وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْاَلْوَا حِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ... " مفسران گفته اند که الواح در اینجا به معنی تورات است، که در آن هرچه مورد نیاز اسرائیلیان از امور دینی و دنیوی بود مذکور آمده و تبیاناً لکل شیء من الاحکام. در مورد لوح محفوظ، به سورة البروج (۸۵)، آیات ۲۱ و ۲۲ باید مراجعه کرد که در آن آمده "بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ" [و هو ام الكتاب].

مفسران در تفسیر این آیه گفته اند که قرآن، چنان که کافران می پنداشتند، شعر یا سحر و جادو و قصص کهنه نیست، بلکه در لوح محفوظ، از زیاده و نقص مصون است.

۸. در نظر صوفیه ملکوت عالم ارواح و عالم غیب و عالم معنی است (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی دکتر سید جعفر سجّادی). حضرت ربّ اعلیٰ در صحیفهٔ اصول و فروع مشیت را در رأس مراتب سبعة هستی قرار می دهند (مشیت، اراده، قدر، قضاء، اذن، اجل، کتاب). خدا مشیت را آفرید و مشیت همهٔ عالم هستی را خلق کرد.

۹. ابراهیم خیرالله، مبلغ بهائی که منشأ سوریه ای و مسیحی داشت، در سال ۱۸۸۹-۱۸۹۰ در مصر به امر مبارک گروید و در سال ۱۸۹۳ به شیکاگو رفت. در سال ۱۸۹۴ وی با موفقیت شروع به معالجات روحی کرد و در عین حال به تبلیغ امر بهائی به برخی نفوسی که ملاقات می کرد اهتمام نمود. در ابتدا خیرالله در کار خود بسیار موفق بود و تا سال ۱۸۹۸ حدود هفت صد نفر در ظلّ امر مبارک در آمدند. در سال ۱۹۰۰ به محمدعلی پیوست و ناقص عهد و پیمان شد.

۱۰. لوح هشتم معطوف به نشر نجات و بسط امر الهی در قازات مختلفه است.

۱۱. در لوح هفتم ذکر قازات و جزائر مختلفه و بخشی از آسیا آمده.

۱۲. محفل روحانی ملی مشترک آمریکا و کانادا در سال ۱۹۲۵ تشکیل شد و دوازده سال بعد دست به طرح نقشهٔ اول هفت ساله برد.

۱۳. در لوح هشتم است: "ای حواریون بهاءالله... نفس مبارک موعود در کتاب مقدّس به ربّ الجنود تعبیر گشته، یعنی جنود آسمانی، و مقصود از جُند آسمانی نفوسی هستند که به کلی از عالم بشریت منسلخ... از صفات بشریت و عالم طبیعت نجات یافته، متخلق به اخلاق الهی گردند و منجذب به نجات رحمانی شوند. مانند حواریون مسیح که مملو از مسیح شدند، این نفوس نیز مملو از حضرت بهاءالله گردند، یعنی محبّت بهاءالله چنان مستولی بر اعضا و اجزاء و ارکان آنها گردد که عالم بشریت را حکمی نماید. این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و غرب..." (صص ۲۷-۲۸).

۱۴. ر.ک. حصن حصین شریعت الله.

۱۵. کتاب ایقان، ص ۱۴۹، نقل حدیث جابر در لوح فاطمه، از کتاب کافی.

۱۶. پیام بهائی، شمارهٔ ۳۲۹، صص ۱۰-۱۱.

۱۷. ر.ک. *From Strength to Strength*، صص ۱۱-۱۳.

۱۸. پیام آسمانی، جلد ۲، ص ۱۱۳.

۱۹. میس مارثا روت از طریق روزنامه نگاری امرار معاش می کرد و جناب هاید دان با نمایندگی فروش مؤسّسات تجاری به تأمین زندگی مادی خود موفق بود.

۲۰. ر.ک. پیام آسمانی، ج ۲، صص ۱۱۳-۱۱۴